

درآمدی بر هستان‌شناسی قرآنی و تأثیر آن بر واژگان شناختی با تأکید بر مفهوم عمل صالح

فاطمه مولودی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد
مرتضی ایروانی نجفی^۱: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد
سهیلا پیروزفر: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم
سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۷-۲۶
تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۱۹

چکیده

معنای واژه عمل صالح، موضوعی چالش برانگیز در میان پژوهشگران اسلامی بوده است. بیشتر بررسی‌های معنایی این واژه قرآنی بر پایه تحلیل‌های لغوی و اصطلاحی و برداشت‌های شخصی محققان و مفسران از آیات قرآن و منابع اسلامی صورت گرفته، و تنها در مواردی اندک، روند معنایی این واژه به صورت نظام‌مند دنبال شده است؛ این در حالی است که به ویژه در چند دهه اخیر، دانش معناشناسی به عنوان بخشی از دانش به سرعت تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است؛ و جا دارد که معنایی‌های قرآنی، همگام با پیشرفت این دانش به‌هنگام شوند. با نگاهی گذرا به مطالعات معناشناسی به‌ویژه در دوره معاصر، می‌توان معنایی را در سه سطح واژه، سیاق و گفتمان دنبال کرد. این پژوهش به تحلیل معنایی واژه قرآنی عمل صالح در سطح گفتمان، با معرفی و به کارگیری هستان‌شناسی [این مفهوم قرآنی] می‌پردازد. هستان‌شناسی، به عنوان یک ابزار نوظهور در دانش رایانه و اطلاعات، واژگان کلیدی به کار آمده در محدوده‌ای از دانش را شناسایی، ارتباط میان آن‌ها را تعیین، و بدین ترتیب معنای را استاندارد می‌کند. در هستان‌شناسی پیشنهادی قرآنی، با در نظر گرفتن چند رابطه مهم معنایی (تعمیم، روند و ترکیب)، ارتباط میان مفاهیم مرتبط در قالبی مناسب و به صورت نمودارهای شبکه‌ای با پیکان‌های ساده و خطوط هم‌رَس نمایش می‌یابد. ملاحظه خواهد شد که به کارگیری ابزار هستان‌شناسی در تحلیل معنای سطح گفتمانی مفهوم عمل صالح، درک تازه و روشنی را از این مفهوم قرآنی پیش‌رو خواهد گذاشت که ناگزیر تبعات و رویکردهای تربیتی نوینی را به دنبال خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: روابط معنایی، عمل صالح، قرآن، هستان‌شناسی



۱- مقدمه

امروزه بازنمایی دانش از طریق سامان‌دهی هستان‌شناسی^۱ کاربرد بسیار گسترده‌ای یافته است (آسکولد^۲ و گرونینگر^۳، ۱۹۹۶، صص. ۹۳-۹۶). هرچند عمده تلاش‌ها در این زمینه، در حوزه دانش رایانه و به‌منظور سامان‌بخشی به وب معنایی انجام می‌گیرد (ژاکوب^۴ و شیخ شاعی^۵، ۱۳۸۴، صص. ۱۹۰-۱۹۲؛ آسوشه و همکاران، ۱۳۹۰، صص. ۳۴-۳۹)؛ اما شاخه‌های گوناگون علوم، هستان‌شناسی‌ها را ابزاری مناسب برای بازنمایی و ساختاردهی به مفاهیم پراکنده دانش خود یافته‌اند. در زمان حاضر، دانش‌هایی مانند ریاضیات و آمار، شاخه‌های مختلف پزشکی و زیست‌شناسی (شویلر^۶، هول^۷، توتل^۸ و شررتز^۹، ۱۹۹۳، ص. ۲۱۷)، علوم رایانه، زبان‌شناسی و... هستان‌شناسی‌هایی را در جهت معرفی و نظام‌سازی مفاهیم گنجانده در خود شکل داده‌اند (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۴).

خاستگاه دیرینه مفهوم هستان‌شناسی، دانش فلسفه است که به ماهیت هستی و ساختار واقعیات و پدیده‌ها می‌پردازد (فولیکه^{۱۰}، ۱۳۷۸، ص. ۲۶)؛ با این همه به کارگیری آن در حوزه دانش هوش مصنوعی در دهه ۹۰ (صفری، ۱۳۸۳، صص. ۷۵-۷۶)، و به دنبال آن در دیگر حوزه‌های دانشی به ویژه مدیریت دانش و اطلاعات (سووا^{۱۱}، ۲۰۰۰، صص. ۱۱-۱۸) سبب رشد و گسترش سریع آن شد. به‌ویژه، پژوهش‌های گسترده‌ای در این حوزه به‌منظور سامان‌دهی و گسترش وب معنایی (وب ۳) در حال انجام است (وب معنایی، ۱۳۹۴).

هستان‌شناسی در بسیاری از کاربردها به‌منظور توصیف دقیق و طبقه‌بندی مفاهیم به کار می‌رود (گارینو^{۱۲}، اوبر^{۱۳} و استاب^{۱۴}، ۲۰۰۹، ص. ۴۳۳). برای نمونه، در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، هستان‌شناسی به‌عنوان یک ابزار معناشناسی، به‌منظور نمایش دقیق مفاهیم و روابط میان آن‌ها به

1. Ontology
2. Uschold
3. Gruninger
4. Jacob
5. Schuyler
6. Hole
7. Tuttle
8. Sherertz
9. Foulquié
10. Sowa
11. Guarino
12. Oberle
13. Staab

کارآمده و محدودیت‌های اصطلاح‌نامه‌ها را به‌ویژه در ترسیم روابط معنایی، ندارد (صنعت جو و فتحیان، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۹). هم‌اکنون، پژوهش‌های گسترده‌ای به‌منظور بازآرایی اصطلاح‌نامه‌ها در ساختار هستان‌شناسی در حال انجام است (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰).

این پژوهش بر آن است که ابزار نوظهور و روبه‌گسترش هستان‌شناسی را به‌منظور بازنمایی مفاهیم قرآنی به کار بگیرد. هرچند در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی در این راستا و باهدف سامان‌بخشی هستان‌شناسی واژگان قرآنی صورت پذیرفته است؛ اما این تلاش‌ها همان‌گونه که در بخش ۳ اشاره خواهد شد، عمدتاً معطوف به پیاده‌سازی رایانه‌ای و تسهیل جستجوی معنایی واژگان قرآنی بوده است.

در مقابل، این پژوهش به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از روابط خاص بین مفهومی نظیر رابطه تعمیم، رابطه روند و رابطه ترکیب که در بخش ۴ معرفی می‌شوند، گونه‌ای از هستان‌شناسی مفاهیم قرآنی را باز کند که در تحلیل معنایی و استنباط و استخراج رویکردها و راهکارهای تربیتی مفید باشد. به‌عنوان هستان‌شناسی مفهوم قرآنی عمل صالح‌شناسی و بازنمایی شده است.

۲- هستان‌شناسی

۲-۱- تعریف هستان‌شناسی

آدمی، به فراخور محیطی که با آن در تعامل است، اشیای پیرامونی خود را شناسایی و دسته‌بندی کرده و روابط بین آن‌ها را مشخص می‌کند. بر این مبنا، چارچوب و چینی از مفاهیم (انتزاع یافته از اشیای محیط) و روابط میان آن‌ها در ذهن او شکل می‌گیرد که از آن با عنوان هستان‌شناسی نام می‌برند. شکل‌دهی چنین ساختاری و به کارگیری یک هستان‌شناسی مشترک، لازمه هرگونه تعامل و فهم متقابل است.

در دانش رایانه و اطلاعات، هستان‌شناسی را توصیف‌صوری از مجموعه‌ای از مفاهیم یک دامنه^۱ و روابط بین آن‌ها تعریف کرده‌اند. بدین ترتیب، هستان‌شناسی مجموعه‌ای از مفاهیم^۲، نمونه‌ها^۳ (نمونه‌هایی از مفاهیم)، روابط^۴ میان مفاهیم (نمونه‌ها)، کارکردها، ویژگی‌ها^۵ و اصول بدیهی است (گروبر، ۱۹۹۳، صص. ۲-۳). یک هستان‌شناسی، لغات و مفاهیمی را که در تعریف و نمایش محدودده‌ای از دانش به کار می‌روند، تعیین کرده و بنابراین معانی را استاندارد می‌کند.

1. range/domain

2. class

3. instance

4. relation

5. property/slot

6. Gruber



۲-۲-سامان‌دهی هستان‌شناسی

همان‌طور که پیش‌تر آمد، هستان‌شناسی دربردارندهٔ دو عنصر اصلی است:

۲-۲-۱- مفاهیم (و نمونه‌های مفاهیم)

۲-۲-۲- روابط (میان مفاهیم)

در هستان‌شناسی، روابط میان مفاهیم عمدتاً در سه دسته روابط زیر جای خواهند گرفت:
۲-۲-۱- روابط سلسله‌مراتبی (نوعی از^۱): که نشان‌دهندهٔ آن است که یک مفهوم نوع خاصی از یک مفهوم عام است.

۲-۲-۲- روابط جزء - کل (بخشی از^۲): که نشان می‌دهد یک مفهوم، جزء یا بخشی از یک مفهوم چند جزئی است.

۲-۲-۳- روابط ویژه: این روابط بنا به حوزه موضوعی تعریف می‌گردند. برای نمونه، در هستان‌شناسی‌های لغوی (که توانمندتر از لغت‌نامه‌ها هستند)، روابط هم‌ارز (مترادف)، متضاد، هم‌بسته و... به کار می‌آیند (صنعت جو و فتحیان، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۰).

برای سامان‌دهی یک هستان‌شناسی، شیوه‌ای واحد و قطعی در دست نیست؛ معمولاً در سامان‌دهی یک هستان‌شناسی از رهیافتی تکراری و همراه با آزمون و خطا بهره می‌جویند. به هر روی، این روند تکراری دربردارنده سه گام بنیادی زیر است:

(۱) بازیابی و بازشناسی: در این گام، همه مفاهیم گنجانده در دامنه موضوعی شناسایی و فهرست می‌شوند. دامنه موضوعی هستان‌شناسی را می‌توان بر مبنای پرسش‌هایی که ساختار هستان‌شناسی قادر به پاسخگویی آن‌ها است، تعیین کرد. البته روشن است که این دامنه بر مبنای حدسی اولیه و با شروع از چند واژه کلیدی پیشنهاد می‌شود. این واژگان کلیدی، از مطالعه کوتاه منابع هستان‌شناسی و بر مبنای آشنایی اولیه با فضای گفتمانی هستان‌شناسی به دست می‌آیند. در مراحل بعد و با شناسایی واژگان جدید و یافتن جایگاه آن‌ها در ساختار هستان‌شناسی با توجه به روابط میان مفاهیم سپس، دامنه هستان‌شناسی تعدیل می‌شود؛ بدین معنا که واژگان و مفاهیم کم‌اهمیت حذف و واژگان با اهمیت جدید جایگزین و جایابی می‌شوند.

(۲) بازآرایی و پیونددهی: در این گام، روابط سه‌گانه (سلسله‌مراتبی، جزء-کل و سایر) میان مفاهیم شناسایی و بر این اساس، مفاهیم بازآرایی شده و به یکدیگر پیوند می‌یابند. در سامان‌دهی هستان‌شناسی مفهومی، ایجاد یک ساختار سلسله‌مراتبی^۳ از مفاهیم را اولین گام می‌دانند؛ و پس از آن است که روابط جزء-کل و سایر، به‌عنوان اولویت‌های بعدی، برقرار می‌شوند. در روند برپایی ساختار سلسله‌مراتبی، ابتدا مفاهیم عام و به دنبال آن‌ها مفاهیم خاص تر فهرست و جایابی می‌شوند.

1. Isa

2. Hasa

3. taxonomy

(۳) بازنمایی: در این گام، آرایش مفاهیم و ارتباط میان آن‌ها به شیوه مناسب نمایش داده می‌شود. شیوه‌های گوناگونی برای نمایش هستان‌شناسی معرفی و پیشنهاد شده است (کاتیفوری^۱، هالتسیس^۲، لیوراس^۳، واسیلاکیس^۴ و جیانوپولو^۵، ۲۰۰۷).

۳- پیشینه هستان‌شناسی قرآنی

هستان‌شناسی‌ها عمدتاً برای سامان‌بخشی و ساختاردهی علوم، به‌منظور تسهیل و توسعه روش‌های ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند. این همان کاری است که تاکنون بر عهده اصطلاح‌نامه‌های علوم بوده است و در زمان حاضر، با گسترش علوم اطلاعات و دانش‌شناسی و ظهور فناوری‌های جدید رایانه‌ای، با برپایی هستان‌شناسی‌ها به سرعت رو به رشد است. برپایی چنین هستان‌شناسی‌هایی توسعه جستجوهای معنایی (و نه لفظی یا واژگانی) را ایجاد می‌کند که اینک زمینه بروز پژوهش‌ها در حوزه دانش رایانه و وب است. بر این اساس، در سالیان اخیر، پژوهشگرانی علاقه‌مند شده‌اند تا با به کارگیری شیوه‌های نوین متن‌کاوی، کاوش‌ها و جستجوهای معنایی را برای متن قرآن کریم به کار گیرند. چنین جستجوهای معنایی نیازمند برپا سازی هستان‌شناسی‌هایی مناسب است. در ادامه به شماری از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود.

گروه پژوهشی زبان دانشگاه لیدز^۶ (۱۳۹۴) مجموعه‌ای را با نام پیکره عربی قرآنی^۷ در سه سطح تحلیل زبانی فراهم آورده است:

۱- ریشه‌یابی لغات^۸؛

۲- ساختارهای نحوی بر مبنای دو گونه قواعد دستوری خوانش پذیر برای انسان و ماشین^۹؛

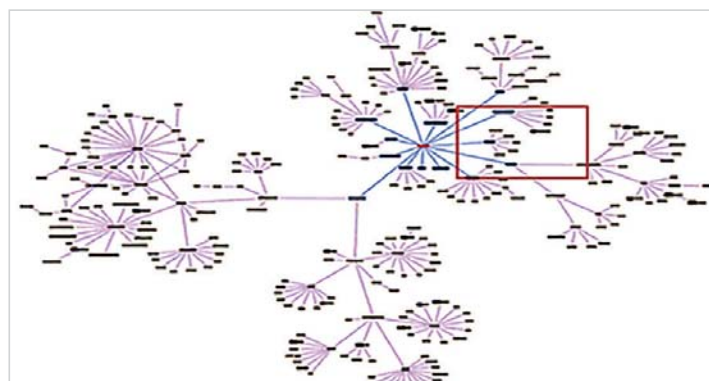
۳- هستان‌شناسی معنایی^{۱۰}.

در مورد اخیر، شبکه‌ای از ۳۰۰ مفهوم قرآنی به همراه ۳۵۰ رابطه بین مفهومی (که عمدتاً از گونه رابطه تعمیم است) به کمک گراف نمایش داده شده است.

1. Katifori
2. Halatsis
3. Lepouras
4. Vassilakis
5. Giannopoulou
6. University of Leeds
7. Quranic Arabic Corpus
8. morphological annotation
9. syntactic treebanks
10. semantic morphology



نمودار ۱: پیشنهاد هستان‌شناسی قرآنی (گروه پژوهشی زبان دانشگاه لیدز). هر گره نشان‌دهنده یک مفهوم قرآنی و هر یال نشان‌دهنده یک رابطه معنایی (از گونه تعمیم) است.

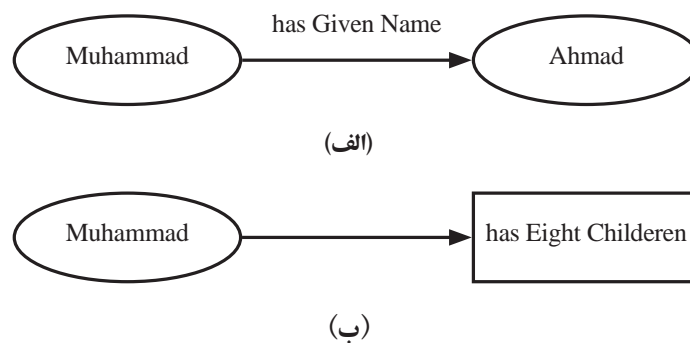


نمودار ۲: بزرگ‌نمایی بخشی از نمودار هستان‌شناسی (مستطیل قرمز رنگ)

یواری^۱، ربیعه^۲، آزرین^۳ و مصره^۴، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴) سامانه‌ای نرم‌افزاری را به منظور جستجوی معنایی مفاهیم قرآنی پیشنهاد دادند. این سامانه بر مبنای هستان‌شناسی توسعه یافته‌ای از هستان‌شناسی دانشگاه لیدز برپا شده است که در آن، روابط جدید و سفارشی شده (به منظور جستجوی معنایی) و نیز شماری ویژگی‌ها یا خصوصیات برای مفاهیم گنجانده شده است. برای نمونه، رابطه جدید «نامیده شده» بین

1. Yuari
2. Rabiah
3. Azreen
4. Masrah

دو واژه محمد و احمد، به صورت شکل ۳ در نظر گرفته شده است تا در جستجوی معنایی ماشینی، از طریق هستان‌شناسی با دانستن یک نام، نام دیگر یافته شود. به عنوان نمونه‌ای دیگر به واژه محمد (ص) ویژگی «دارای هشت فرزند بودن» نسبت داده شده است (شکل ۳-ب). یادآوری می‌کند که این هستان‌شناسی به منظور پیاده‌سازی جستجوی معنایی در متن قرآن تهیه شده و از این رو، مفاهیم و خصوصیات و روابط میان آن‌ها برای این هدف گزینش و سفارشی شده‌اند.



شکل ۳- نمونه (الف) رابطه جدید معنایی و (ب) خصوصیت مفهوم در هستان‌شناسی پیشنهادی یوآری و همکاران (۲۰۱۳)

نمونه‌های ساده‌تری از هستان‌شناسی‌های قرآنی نیز پیشنهاد شده است که روابط ساده‌تری دارند و عمدتاً به منظور جستجو و متن کاوی تهیه گردیده‌اند و البته خواهند توانست زمینه‌ساز بستری برای هستان‌شناسی‌های پیچیده‌تر مفهومی قرار گیرند. در این هستان‌شناسی‌ها، عمدتاً رابطه جزء - کل بین مفاهیم سوره، آیه، واژه و ریشه برقرار می‌شود (اقبال^۱، آیدا^۲ و ذوالکفلی^۳، ۲۰۱۳؛ شریف^۴ و نگومو^۵، ۲۰۱۲). در حال حاضر، پروژه‌های تحت عنوان پیکره قرآنی فرقان در آزمایشگاه فناوری وب دانشگاه فردوسی مشهد در حال طراحی و پیاده‌سازی است که اطلاعاتی آماری را برای سوره‌ها، آیه‌ها، صرف و نحو آیات و حروف الفبایی، به منظور انجام عملیات متن کاوی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. پژوهشگران این پروژه برای گام‌های آتی، ساخت هستان‌شناسی موضوعات و مفاهیم قرآن، منتسب کردن آیات به مفاهیم، تعیین ارتباط بین لغات، آیه‌ها و سوره‌ها و در نهایت تکمیل

1. Iqbal
2. Aida
3. Zulkifli
4. Sherif
5. Ngomo

و گسترش هستان‌شناسی مفاهیم قرآنی با روند یادگیری ماشینی را به‌منظور تحلیل هوشمند نتایج جهت کشف روابط کلامی و معنایی پنهان در متن قرآن کریم، در دستور کار دارند (پیکره قرآنی فرقان، ۱۳۹۲). برخی پژوهش‌ها نیز به ارائه الگوریتم‌هایی برای استخراج خودکار هستان‌شناسی‌های ساده برای برخی سوره‌ها و در دامنه‌های خاص پرداخته‌اند (هاراگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۴).

شاید نزدیک‌ترین کار به پژوهش حاضر، علی‌رغم تفاوت‌هایی که بعداً اشاره می‌شود، کار توشیهیکو ایزوتسو^۲ در معرفی ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی—دینی قرآن باشد (ایزوتسو، ۱۳۸۸، همان، ۱۳۹۳). این شباهت از دو منظر قابل توجه است: نخست آنکه ایزوتسو به سازمان‌دهی نظام واژگان اخلاقی قرآن پرداخته که در هستان‌شناسی‌های موجود قرآنی که پیش‌تر از آن‌ها سخن رفت، چندان مورد توجه نیستند؛ چراکه در بیشتر تحقیقات امروزه در حوزه هستان‌شناسی، عمده هدف، تحقق سازوکار جستجوی معنایی متن قرآن کریم و نه تلفیق در معناشناسی واژگان است. از این منظر، واژگان اخلاقی، شاید به دلیل روابط پیچیده مفهومی، در هستان‌شناسی‌های پیشنهادی جایگاه بسزایی ندارند. در مقابل، ایزوتسو، نگره ساختمان معنایی خود را باهدف معنایی دقیق واژگان اخلاقی نظیر ایمان، کفر، ظلم، نفاق و... پیشنهاد داده است که مجموعه واژگانی است که در دامنه مفاهیم هستان‌شناسی تحقیق این مقاله می‌گنجد.

دومین شباهت، مربوط به شیوه کار ایزوتسو در برپایی ساختمان معنایی است. ایزوتسو به‌منظور بازیابی معنای مفاهیم قرآنی به کارگیری راهکارهای هفتگانه زیر را پیشنهاد می‌کند: (۱) تعریف بافتی (متنی)، (۲) مترادف یابی، (۳) متضاد یابی، (۴) منفی یابی، (۵) حوزه یابی معنایی بر مبنای روابط معنایی دارای طرح، (۶) موازنه دستوری (ترادف عبارات) و (۷) قیاس سیاق‌ها. ایزوتسو در مورد راهکار پنجم خود می‌نویسد:

«هر واژه‌ای برای خود یاران گزیده دارد تا آنجا که سراسر واژگان یک زبان به‌صورت شبکه پیچیده‌ای از گروه‌بندی‌های معنایی بیرون می‌آید. باز کردن این شبکه پیچ‌درپیچ یکی از وظایف مهم معنا شناس است» (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص. ۸۰).

وی سپس، به‌عنوان مثالی از این راهکار، به آیه ۲۱ سوره انعام «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» اشاره می‌کند که در آن سه واژه افتراء، کذب و ظلم به یکدیگر مربوط گردیده‌اند و بر این اساس، این سه در یک گروه یا ترکیب یا حوزه معنایی قرار می‌گیرند. البته ایزوتسو به نوع رابطه میان این واژگان، مانند رابطه تعمیم یا احیاناً توالی خاص میان آن‌ها، نمی‌پردازد و تنها از مقارنه لفظی آن‌ها در عبارت، آن‌ها را در یک گروه معنایی جای می‌دهد. شاید بتوان گفت که این پژوهش، به‌نوعی، مداخله‌ای در این پنجمین راهکار ایزوتسو در معناشناسی مفاهیم قرآنی است؛ بدین معنی که با یافتن نوع رابطه میان مفاهیم قرآنی معنای دقیق واژگان بهتر شناسایی شود.

1. Harrag

2. Toshihiko Izutsu

۴- هستان‌شناسی پیشنهادی قرآنی

همان‌گونه که بیان گردید، برپایی هستان‌شناسی نیازمند استخراج مفاهیم گنجانده در متن و ارتباط میان آن‌هاست. در ادامه، روش پیشنهادی برپایی هستان‌شناسی قرآنی ارائه می‌شود.

۴-۱- پیش‌فرض‌ها

۴-۱-۱- ترادف (هم‌ارزی)

در این پژوهش، فرض عدم ترادف میان واژگان قرآن پذیرفته می‌شود؛ بر پایه این فرض، هر واژه نشان‌دهنده یک مفهوم خاص اصطلاحی قرآنی است و هیچ دو واژه متفاوتی، نشان‌دهنده یک واقعیت خارجی یکسان نیستند. البته برخی معتقدند در هیچ زبانی کلمات مترادف وجود ندارد، زیرا اگر دو کلمه به‌ظاهر هم‌ردیف و یا نزدیک به هم باشند، از جهت مورد استعمال در عبارات فصیح و بلیغ با هم مترادف نخواهد بود (احمدی، بیتا، ص. ۵۳). محققان بسیاری به‌ویژه در دوره معاصر، عدم ترادف را به‌عنوان یک اصل در تفسیر آیات قرآن پذیرفته‌اند (منجد، ۱۴۲۲، ص. ۱۳۴)؛ و حتی شماری از آن‌ها در صدد اثبات اعجاز بیانی قرآن کریم از این طریق هستند و بر این باورند که اگر از طریق منابع لغت نتوان به تفاوت میان واژه‌های قریب‌المعنی دست یافت، بر اساس کاربردهای قرآن، تفاوت میان واژه‌ها قابل استخراج و استنباط است (بنت الشاطی، ۱۳۷۶، ص. ۳۱۵). بر این اساس، شیوه محققان معتقد به عدم ترادف، آن است که در مورد هر کلمه، پس از شناخت مدلول اصلی آن در زبان عربی به استقرای موارد استعمال آن در قالب صیغه‌های متفاوت پردازند و نیز به تدبر در سیاق خاص آن در آیه و سوره و نیز سیاق عام آن در کل قرآن پرداخته شود و بدین ترتیب معنای خاص هر واژه را به دست می‌آورند (بنت الشاطی، بی‌تا).

۴-۱-۲- تضاد

تضاد یکی از پیوندهای معنایی میان کلمات است که می‌تواند ربط کلمات را مشخص کند. متضاد به دو واژه‌ای گفته می‌شود که کلیه مشخصه‌های آن‌ها به جز یک مشخصه یکسان باشد، یا فقط در یک مشخصه اختلاف داشته باشند (فالك، ۱۳۷۷، ص. ۳۵۵). بدین ترتیب، واژه‌های متضاد حتماً باید در تمام ویژگی‌ها مثل هم باشند، به جز یک ویژگی اصلی و هر دو کلمه در یک مقوله و گروه قرار گیرند و ویژگی‌های مشابه به هم داشته باشند. اگر جفت واژگانی در بیش از یک مشخصه باهم اختلاف داشته باشند، نمی‌توانند باهم رابطه ضدیت برقرار نمایند. پیشنهاد می‌شود برای پیدا کردن متضاد کلمات، آن‌ها را در قالب جمله بررسی نماییم و رابطه هم‌نشینی آن‌ها را با کلمات دیگر در نظر بگیریم (پالمر، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۹).

اینک، برای آشنایی، به نمونه‌ای از واژگان متضاد قرآنی پرداخته می‌شود. آیات شریفه زیر را در نظر بگیرید:

1. Falk

2. Palmer



«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» (یونس / ۱۰۸)؛
«مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء / ۱۵)؛
«وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ» (نمل / ۹۲).

از این آیات می‌توان نتیجه گرفت که ضلالت و اهتداء متضاد یکدیگرند. در نمایش پیشنهادی هستان‌شناسی قرآنی، جایگاهی به‌منظور بازنمون واژگان متضاد قرآنی در نظر گرفته نشده است، جز آنکه بتوان منفی واژه و متضاد آن را به‌جای یکدیگر باز نوشت. با این‌همه یادآوری می‌کند که بیشتر زبان‌شناسان بر این باورند که کلمات متضاد اعم از کلمات منفی هستند (فرشید ورد، ۱۳۸۶، ص. ۹۰). بر این اساس، جایگزینی واژگان منفی با متضاد در نمایش هستان‌شناسی خالی از اشکال نیست؛ مگر آنکه قائل به‌نوعی رابطه تعمیم‌گردیم.

۴-۱-۳- تشابه (اشتراک لفظی)

یکی دیگر از پیش فرض‌های اساسی که در نحوه نمایش هستان‌شناسی قرآنی مؤثر خواهد بود، پذیرش فرض وجود اشتراک لفظی در آیات قرآنی است. زبان‌شناسان و قرآن‌پژوهان دیدگاه‌های مختلفی در موضوع چندمعنایی و اشتراک دارند. اهل سنت چند معنایی را همان اشتراک لفظی دانسته و آن را در شاخه‌های مختلف علوم عربی و اسلامی نظیر علم لغت و منطق و اصول و علوم قرآنی و در واژگان وجوه و نظایر بررسی کرده‌اند. متأخرین آن‌ها در بررسی و تحقیق، به فهم روابط متداخل واژگان قرآنی و برخوردهای آن‌ها با هم اهمیت داده و به دلالت عام در وجوه مختلف واژه‌ها پی برده‌اند. از این رو در پژوهش واژگان وجوه و نظایر، از تنگنای اشتراک لفظی به تأویل آیه یا مجاز و استعاره و... روی آورده‌اند. دیدگاه روشن شیعه همان اشتراک معنوی است که دستاورد آن اعجاز قرآن در ناحیه لفظ و معنی است. زیرا هر وجه معنایی از آیه مصداقی برای آن مفهوم کلی است و این با حقیقت بطون قرآن سازگار است (پرچم و شاملی، ۱۳۸۷).

بدین ترتیب، در نمایش هستان‌شناسی مفاهیم بر پایه نگره نخست (دیدگاه اهل سنت)، لفظ واحد دارای معنای مختلف، در جایگاه‌های گوناگون از ساختار هستان‌شناسی ظاهر می‌شود، بی‌آنکه رابطه‌ای خاص میان آن‌ها برقرار باشد. بر پایه نگره دوم، دیدگاه شیعه- رابطه تعمیم میان واژگان مشترک لفظی برقرار است که باید در هستان‌شناسی بازنمایی شود. رویکردی که در این پژوهش برای نمایش هستان‌شناسی این واژگان در نظر گرفته می‌شود، بر پایه دیدگاه شیعه و بدین صورت است که مشترکات لفظی در جایگاه‌هایی جدا از یکدیگر در ساختار هستان‌شناسی نمایش داده می‌شوند و بین آن‌ها رابطه تعمیم نشان داده می‌شود. گفتنی است، برای برطرف کردن تشابه واژگان در نمایش هستان‌شناسی، قید مناسبی، که نشان‌دهنده نوعی ارتباط تعمیمی است، به اسامی مشترک لفظی افزوده شده و سپس در هستان‌شناسی جای‌گذاری می‌گردند.

به‌عنوان نمونه‌ای از واژگان مشترک لفظی، می‌توان به واژه اسلام اشاره کرد که در برخی آیات

به عنوان مرحله‌ای قبل از ایمان هست:

«قَالَتِ الْأَوَّلُ تَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلْتُمُكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات/۱۴).

و در آیاتی دیگر (تحت عنوان مقید اسلام وجه) به عنوان مرحله‌ای بعد از ایمان (و تقوی و احسان): معرفی شده است. اکنون می‌توان اسلام (قبل از ایمان) و اسلام (بعد از ایمان) را به عنوان دو مفهوم در ساختار هستان‌شناسی نمایش داد و اسلام بعد از ایمان را با قیدی مانند اسلام وجه به عنوان مفهومی خاص از اسلام شناسانید.

«وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان/۲۲).

۴-۲- مفاهیم

هستان‌شناسی عموماً پیرامون یک مفهوم کانونی شکل می‌گیرد. به دنبال آن مفاهیم کلیدی مرتبط با این مفهوم کانونی گردآوری و در ساختار هستان‌شناسی بنا به رابطه مشخص گردآوری و جایابی می‌شوند تا آنجا که هستان‌شناسی برای دامنه نظیر مفهوم کانونی ساخته می‌شود. از آنجا که در هستان‌شناسی پیش رو، معنای مفاهیم آن‌ها حائز اهمیت است، انواع اسم‌های مشتق و فعل‌ها در شکل مصدری‌شان به کار می‌آیند. از این رو، اگر برای نمونه، فعل یا اسم فاعل یا اسم مفعولی در چند آیه جداگانه به مفاهیم قرآنی دیگری مربوط شده باشند، همگی آن‌ها در نمایش هستان‌شناسی به یک مفهوم مصدری ارجاع داده می‌شوند و آن مفهوم یکتا با دیگر مفاهیم مرتبط می‌شود.

۴-۳- روابط

همان‌گونه که در بخش دو ذکر شد، در ساخت هستان‌شناسی، معمولاً سه دسته روابط بنیادین سلسله‌مراتبی، جزء-کل و روابط ویژه می‌بایست تعریف شود. روابط میان مفاهیم قرآنی که در این مقاله در نظر گرفته شده‌اند، با پیروی از همین چارچوب و با صرف نظر از رابطه جزء-کل (که در هستان‌شناسی پیشنهادی به کار نمی‌آید)، به صورت زیر تعریف می‌شوند:

۴-۳-۱- سلسله مراتبی (تعمیم)

این رابطه که از این پس با نام رابطه تعمیم از آن نام برده خواهد شد، یک مفهوم را نوع خاصی از مفهوم دیگر می‌شناساند، به طوری که عبارت: «مفهوم الف اعم از مفهوم ب است» یا «مفهوم ب نوع خاصی از مفهوم الف است» معنادار باشد. برای نمونه، از نگاه قرآنی، ایمان نوع خاصی از اسلام است به این معنا که اسلام اعم از ایمان است؛ یعنی، اگر کسی ایمان داشته باشد، اسلام دارد؛ اما کسی که اسلام داشته باشد، معلوم نیست که دارای ایمان باشد؛ یعنی شخص مسلمان اگر همراه شرایط ویژه دیگری بشود، دارای ایمان نیز می‌شود. از این رو، یک رابطه تعمیم میان دو مفهوم ایمان و اسلام وجود دارد. در این پژوهش، رابطه تعمیم به صورت: (مفهوم الف: مفهوم ب) نمایش داده می‌شود. که در این مثال این‌گونه خواهد شد:

اسلام ← ایمان

استنباط رابطه تعمیم میان مفاهیم از متن قرآن چندان آسان نیست؛ برای این منظور، بهترین راه،



بررسی فضای گفتمانی و تحلیل گفتاری است که بر اساس آن، بررسی متن آیه قرآن و آشنایی با فضای گفتمانی آن، رابطه‌ای را میان دو مفهوم نمودار می‌سازد.

۴-۳-۲- روابط ویژه

در سامان‌دهی هر هستان‌شناسی، بسته به حوزه موضوعی، شماری روابط ویژه تعریف می‌شود. از آنجا که این پژوهش به هستان‌شناسی مفاهیم و واژگان قرآنی می‌پردازد، پاره‌ای از روابط زبان‌شناسی در جایابی این مفاهیم در ساختار هستان‌شناسی بسیار حائز اهمیت است. در ذیل، سه رابطه زبان‌شناسی مترادف، تضاد و تشابه میان واژگان قرآنی بررسی و بازگردان‌ها در هستان‌شناسی پیشنهادی بررسی می‌شوند. در ادامه، دو رابطه روند و ترکیب به‌عنوان روابط مهم و ویژه هستان‌شناسی قرآنی پیشنهادی معرفی خواهند شد.

۴-۳-۱- روند

مهم‌ترین رابطه برای نمایش در هستان‌شناسی قرآنی پیشنهادی در این مقاله، روابط روندی است که در آن توالی محقق شدن مفاهیم قرآنی از منظر قرآن کریم به‌صورت مفهوم الف مفهوم ب نمایش داده می‌شود. برای نمونه، آیات شریفه سوره کهف را در نظر بگیرید:

«إِذْ أَوْى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشِيدًا» (۱۰). فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (۱۱). ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (۱۲). نُحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى (۱۳). وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا هَا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (۱۴). هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَنٍ بَيْنَ يَدَيْهِمْ مَنْ أَظْلَمُ مِنْهُمْ فَتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۱۵). وَإِذْ اعْتزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا» (۱۶).

میان مفاهیم کلیدی این آیات رابطه روندی زیر برقرار است:

فتوت ← ایمان ← (ازدیاد) هدایت ← قیام ← ربط (قلب) ← اعتزال ← اوی ← دعا ← نشر
رحمه و تهیه مرفق

رابطه روند را عمدتاً به دو صورت می‌توان استخراج کرد:

(۱) توالی مفاهیم که بیشتر با حروف تفریع، تراخی یا ترجی مشخص می‌شود. برای مثال، نمونه آیه‌های سوره طه در نظر بگیرید:

«ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدًى (۱۲۲) قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَأَمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مَتَى هَدًى قَمِنْ أَتَّبِعْ هُدَاى فَلَآ يَضِلُّ وَ لآ يَشْقَى» (۱۲۳).

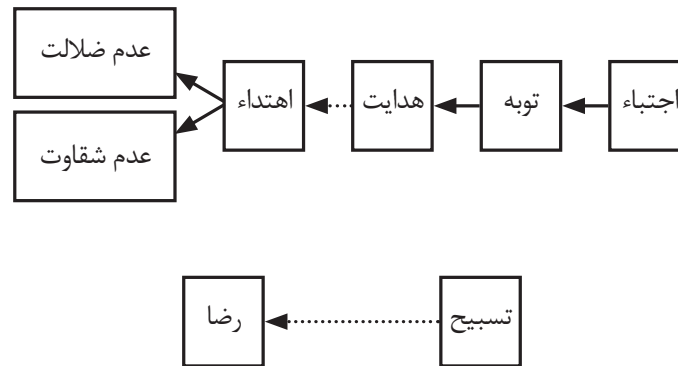
● اجتباء (خدا) ← توبه (خدا) ← هدایت (خدا)

← اهتداء (انسان) ← عدم ضلالت / عدم شقاوت

«... وَ مِنْ عَائِى الْيَلِّ فَسَبَّحْ وَ اطَّرَافِ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى» (طه / ۱۳۰).

● تسبیح ← رضا (انسان)

در این پژوهش، چنانچه تحقق یک مفهوم از مفهوم دیگر، غیرقطعی و منوط به مشیت الهی یا اختیار آدمی یا تحقق چند مفهوم همراه دیگر باشد، از پیکان خط‌چین برای نمایش رابطه روند استفاده می‌شود. بر این مبنا، دو آیه شریفه بالا با نمایش‌های شکل ۳ بازنمایی می‌شوند.



شکل ۴. دو نمونه بازنمایی روابط روندی برگرفته از دو آیه شریفه (اشاره شده در متن)

۲) تعریف مفاهیم که به نوعی، پیدایش یک مفهوم را منوط به ایجاد چند مفهوم دیگر می‌کند و بر این اساس، رابطه‌ای روندی را میان آن‌ها برقرار می‌سازد. از منظر منطقی، تعریف را می‌توان بیان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها برای یک موجود دانست. در واقع، احراز آن ویژگی‌ها می‌تواند نشانه‌ای بر تحقق وجودی یک مفهوم باشد. معمولاً آیاتی که در آن‌ها موصولات (مانند الذین، من، ...) به کار رفته‌اند، به نوعی به تعریف یک مفهوم قرآنی می‌پردازند. ایزوتسو در قوانین هفتگانه تجزیه و تحلیل معنایی خود از شناخت معنای واژه بر مبنای این آیات با عنوان تعریف بافتی یا تعریف متنی نام می‌برد. «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور/۵۲).

● اطاعت

خشیت

اتقاء

← افوز

همچنین گاه این رابطه از یک خبر ساده قابل استخراج است. برای نمونه، می‌توان به آیه‌های زیر و نمایش هستان‌شناسی آن‌ها اشاره کرد:

«أَمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (فاطر/۲۸).

● علم (انسان) ← خشیت (انسان)

«إِلَّا تَذَكَّرْ لِمَنْ يَخْشَى» (طه/۳).

● خشیت (انسان) ← تذکر: پذیرش ذکر (انسان)



گزاره اخیر را آیه زیر نیز تأیید می‌کند.

«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّبَنَّا لَعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/ ۴۴)

در مثالی دیگر، دو آیه شریفه زیر را در نظر بگیرید:

(۱) «إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» (فاطر/ ۳۵).

(۲) «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَانََ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ» (یس/ ۱۱).

مطابق آیه نخست، خشیت و صلوه و مطابق آیه دوم، خشیت و تذکر منجر به اثربخشی انذار خواهند شد؛ نمایش هستان‌شناسانه این دو آیه به قرار زیر است:

● (۱) خشیت (انسان)

صلوه (انسان)

← (اثربخشی) انذار (رسول)

● (۲) خشیت (انسان)

تذکر (اتباع ذکر) (انسان)

← (اثربخشی) انذار (رسول)

با پذیرش فرض عدم مترادف، از این دو آیه نمی‌توان مترادف اتباع ذکر و اقامه صلوه را نتیجه گرفت؛ بلکه می‌توان نتیجه گرفت که: (خشیت و صلوه) یا (خشیت و تذکر) ← (اثربخشی) انذار (رسول)؛ در صورت فراهم آمدن شواهد و قرائن مناسب دیگر، شاید بتوان استنباط کرد رابطه تعمیم میان صلوه و تذکر برقرار باشد. این در حالی است که با پذیرش فرض مترادف، می‌توان صلوه و تذکر را مترادف و قابل جانشینی دانست. ایزوتسو در پاره‌ای موارد، بنا بر موازنه ساختار دستوری یا مترادف عبارات، به مترادف و هم‌ارزی برخی واژگان قرآنی حکم می‌کند. برای نمونه، وی بر مبنای آیات: «وَمَا يَجِدُ بآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ» (عنکبوت/ ۴۷) و «وَمَا يَجِدُ بآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ» (عنکبوت/ ۴۹) نتیجه می‌گیرد که کفر و ظلم (دست کم تا آن جا که به انکار آیات الهی مربوط است) معادل یکدیگر هستند (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص. ۸۱). وی در جای دیگر، دو مفهوم فسق و کفر را درست مانند هم و معادل یکدیگر می‌داند (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص. ۳۱۶).

۴-۳-۲- ترکیب

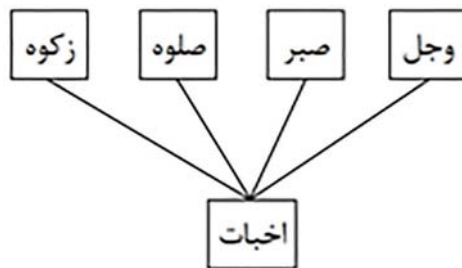
در شماری از آیات قرآن کریم، تحقق یک مفهوم منوط و وابسته به تحقق چند مفهوم معرفی شده است؛ به عبارت دیگر، تحقق هم‌زمان چند رابطه روندی منجر به پیدایش مفهوم نهایی می‌شود. برای نمونه، آیات زیر را در نظر بگیرید:

«... وَ بَشِّرِ الْمُخْتَبِينَ (۳۴) الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ الْمَقِيبُ الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (حج/ ۳۵)

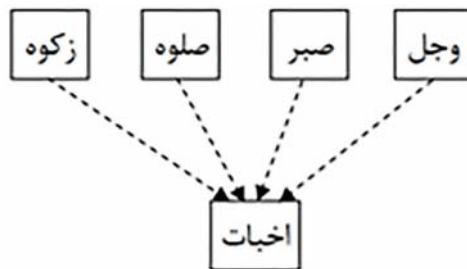
در این آیه، مفهوم اخبات با چهار ویژگی (که هر یک از آن‌ها خود مفاهیمی دیگر هستند)، مشخص می‌شود: وجل، صبر، صلوه و انفاق. بر این پایه، می‌توان گفت که اگر این مفاهیم محقق شوند، مفهوم اخبات نیز محقق خواهد شد. این بدان معناست که:

وجل می‌تواند منجر به اخبات شود
صبر می‌تواند منجر به اخبات شود
صلوه می‌تواند منجر به اخبات شود
انفاق می‌تواند منجر به اخبات شود

احراز هر یک از این چهار ویژگی شرط لازم و احراز همگی آن‌ها شرط کافی برای تحقق مفهوم اخبات خواهد بود و بدین ترتیب، تعریف مفهوم اخبات (که از منظر منطقی می‌بایست جامع و مانع باشد) محقق می‌شود. بدین ترتیب، آیات اشاره‌شده می‌توانند در قالب بیان منطقی بالا بازنویسی شوند که بازنمایی این بیان منطقی در چارچوب هستان‌شناسی به صورت شکل ۵ است؛ اما این نمایش، رابطه عطف و ترکیب این مفاهیم را نشان نمی‌دهد. از این رو، نمایش جدید نشان داده‌شده در شکل ۶ به کار می‌رود که در آن مفهوم ترکیبی (اخبات) با یال‌هایی ساده و هم‌مرس (در محل گره مفهوم ترکیبی) به مفاهیم سازنده آن (وجل، صبر، صلوه و زکوه) اتصال می‌یابد.



شکل ۵. بازنمایی ناقص مفهوم ترکیبی به کمک پیکان‌های روندی (این نمایش نشان‌دهنده لزوم تحقق همه مفاهیم برای تحقق مفهوم نهایی نیست).



شکل ۶. بازنمایی مفهوم ترکیبی در هستان‌شناسی پیشنهادی

رابطه ترکیب به‌مانند مثال بالا عمدتاً با حرف واو عطف قابل استنباط است. این در حالی است

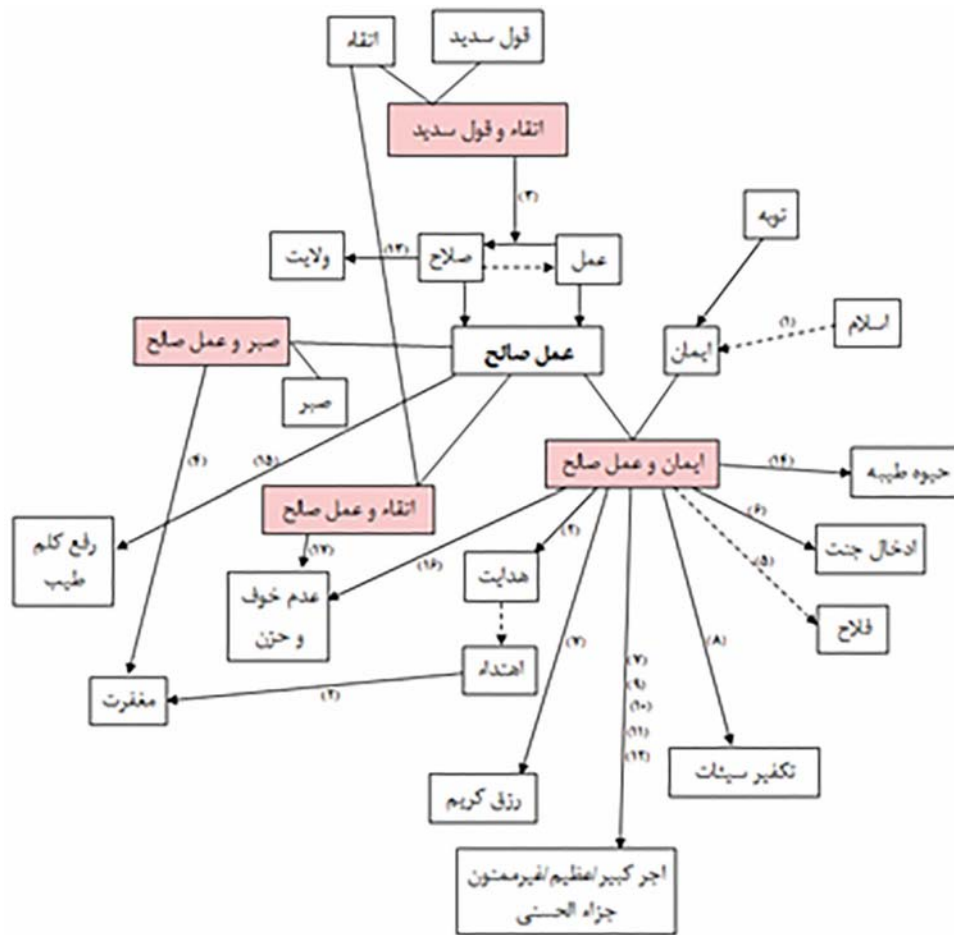


که در برخی موارد، واو عطف، در صورت وجود شواهد و قرائن کافی، می‌تواند نماینده رابطه روند باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به آیه شریفه: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (طه/۸۲) اشاره کرد که در آن واو عطف میان تاب و آمن بهتر است از نوع رابطه روند مشروط در نظر گرفته شود؛ بدین معنا که نخست توبه و سپس ایمان محقق می‌شود.

۵- هستان‌شناسی دامنه مفهوم عمل صالح

به‌منظور آشنایی با شیوه پیشنهادی در برپا سازی هستان‌شناسی مفهومی واژگان قرآنی، هستان‌شناسی دامنه مفهوم قرآنی عمل صالح برپا می‌شود. این هستان‌شناسی با استفاده از راهکار معرفی شده سامان‌دهی هستان‌شناسی‌ها در بخش ۲ و بر پایه روابط معرفی شده در بخش ۴ ساخته و بازنمایی می‌شود. شکل ۷، نمایی از این هستان‌شناسی را نشان می‌دهد. مطابق بخش ۴، روابط تعمیم و روند با پیکان و رابطه ترکیب با یال‌های هم‌رس نمایش یافته‌اند. این پیکان‌ها و یال‌ها بر پایه یک یا چند آیه کریمه قرآن رسم شده‌اند که در زیرنویس شکل، به شماری از این آیات با توجه به شماره‌های مندرج بر روی یال‌ها و پیکان‌ها اشاره شده است. خاطر نشان می‌کند که این هستان‌شناسی که برای دامنه مفهوم عمل صالح در قرآن برپا شده است، هستان‌شناسی کاملی نیست و تنها به منظور آشنایی با نحوه ساخت هستان‌شناسی مفاهیم قرآنی بر مبنای روش پیشنهادی ارائه شده است. مفهوم کانونی این هستان‌شناسی مفهوم عمل صالح است. همان‌گونه که از شکل پیداست، مفهوم عمل صالح از دیدگاه قرآنی، ترکیبی از دو مفهوم عمل و صالح نیست؛ بلکه، نوعی رابطه روندی میان این دو مفهوم به بازتولید عمل صالح می‌انجامد. از سویی، ترکیب‌های دو واژگانی نظیر عمل‌الصالحات، عمل صالحاً و... که به کرات در قرآن آمده‌اند، نشان‌دهنده آن‌اند که به صالحی عمل شده است؛ و از سوی دیگر، عبارتی نظیر «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (احزاب/۷۱) نشان می‌دهد که عملی، اصلاح می‌شود و به صلاح می‌آید. بدین ترتیب، دو سازوکار مختلف که با رابطه روندی عمل /صلاح و صلاح عمل نشان داده می‌شوند، منجر به سامان‌یابی عمل صالح می‌شوند. همان‌طور که از شکل ۷ برمی‌آید، مفاهیم ترکیب یافته از عمل صالح با برخی مفاهیم کلیدی دیگر نظیر ایمان، صبر و اتقاء دارای کارکردهای زیادی‌اند و بسیاری از روابط روندی از آن‌ها آغاز می‌شوند. به‌ویژه مفهوم ترکیبی ایمان و عمل صالح که جایگاه بسزایی در هستان‌شناسی قرآنی دارد. جا دارد اشاره شود که واو عطف در عباراتی نظیر «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یا «آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» و... که به دفعات در قرآن تکرار شده‌اند، در این هستان‌شناسی به‌عنوان رابطه روند مشروط منظور شده است. در واقع، مفهوم ترکیبی ایمان و عمل صالح بر مبنای سه سازوکار که نمایش هستان‌شناسانه آن‌ها در شکل ۶ آمده است، قابل تولید است. درحالی که بر مبنای سازوکارهای شکل ۷ (الف) و (ب)، تحقق عمل صالح منوط به تحقق مفهوم ایمان است، بنابر سازوکار شکل ۷ (ج)، عمل صالح می‌تواند بدون تحقق مفهوم ایمان محقق شود. هر یک از این سه سازوکار، دارای موافقان و مخالفانی است و بحث‌هایی جدی را در حوزه علم کلام از دیرباز برانگیخته است. در این

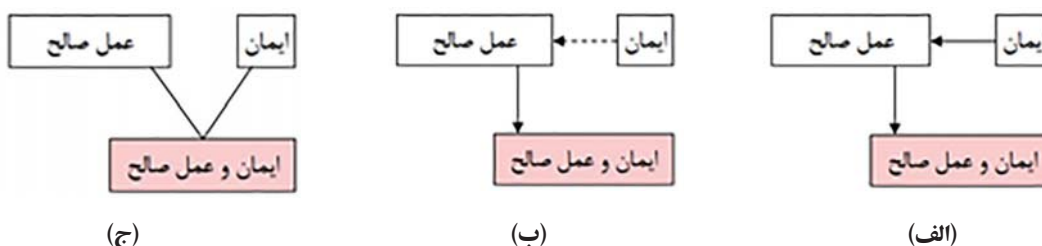
هستان‌شناسی، سازوکار شکل ۷ (ب) انتخاب شده است. گفتنی است حرف واو میان ایمان و عمل صالح، چه از نوع ترکیبی و چه از نوع روند منظور شود، منجر به باز تولید مفهوم ایمان و عمل صالح خواهد شد.



شکل ۷: نمایش هستانشناسی پیشنهادی برای دامنه مفهوم قرآنی عمل صالح

- (۱) «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنَّ قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات/۱۴)؛
- (۲) «وَ إِنْ لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى» (طه/۸۲)؛
- (۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيداً (۷۰) يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً» (احزاب/۷۱)؛
- (۴) «إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ» (هود/۱۱)؛

- (۵) «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» (قصص/۶۷)؛
 (۶) «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء/۱۲۲)؛
 (۷) «فَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (حج/۵۰)؛
 (۸) «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» (عنكبوت/۷)؛
 (۹) «الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ» (فاطر/۷)؛
 (۱۰) «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (فصلت/۸)؛
 (۱۱) «وَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح/۲۹)؛
 (۱۲) «وَ أَمَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءٌ الْحُسْنَى وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا» (كهف/۸۸)؛
 (۱۳) «إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (اعراف/۱۹۶)؛
 (۱۴) «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)؛
 (۱۵) «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَ الَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يُسْوِرُ» (فاطر/۱۰)؛
 (۱۶) «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۶۲)؛
 (۱۷) «يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يُفَضِّلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ أَتَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (اعراف/۳۵).



شکل ۶. نمایش هستان‌شناسانه سه سازوکار باز تولید مفهوم ترکیبی ایمان و عمل صالح. (الف) ایمان حتماً منجر به عمل صالح می‌شود. (ب) ایمان ممکن است منجر به عمل صالح شود. (ج) تحقق عمل صالح بدون تحقق ایمان امکانپذیر است

در هستان‌شناسی نشان داده شده در شکل ۵، صرفاً مفاهیم تأثیرگذار در دامنه مفهوم عمل صالح نمایش داده شده‌اند. در واقع، پاره‌ای از مفاهیم کلیدی پیرامونی مفهوم کانونی عمل صالح، مانند اتقاء، اهتداء و...، خود دارای ارتباطات روندی و ترکیبی بسیار غنی با مفاهیم دیگر هستند. در اینجا، به منظور تمرکز بر مفهوم عمل صالح و پرهیز از آشفتگی و شلوغی نمایش هستان‌شناسی از پرداختن بدان‌ها صرف نظر شده است.

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله، ابزار هستان‌شناسی با رویکردی نو و به منظور توسعه نظام مفهومی واژگان قرآنی به کار گرفته شد. در این هستان‌شناسی، رابطه تعمیم به همراه دو رابطه ویژه بین مفهومی به نام‌های روند و ترکیب تعریف شدند. در نمایش این هستان‌شناسی، تا جای ممکن ساده‌سازی صورت گرفت؛ برای نمونه، رابطه تعمیم به صورت رابطه روند بازخوانی گردید و در نمایش آن، از پیکان روندی استفاده شد. بدین ترتیب، هستان‌شناسی پیشنهادی مفاهیم قرآنی با پیکان‌های ساده و خط چین و یال‌های هم‌رس نمایش می‌یابند. چنین نمایشی از هستان‌شناسی، دیدی کلی را درباره مفاهیم قرآنی پیش رو خواهد گذاشت و در فهم و درک معنای مفاهیم قرآنی کمک کار خواهد بود.

منابع

- احمدی، احمد (بیتا). دستور زبان یا صرف و نحو. مشهد: باستان.
- آسوشه، عباس، مهر آسا، شهره، خطیبی، تکتم، و خاکشو سعادت، پریسا (۱۳۹۰). هستان‌نگاری: روش شناسیها، ابزارها و زبانهای توسعه. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز نشر آثار علمی.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸). مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدرهای، تهران: نشر فرزانه.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۳). خدا و انسان در قرآن. ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن (۱۳۷۶). اعجاز بیانی قرآن. ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن (بیتا). التفسیر البیانی. قاهره: دارالمعارف.
- پالمر، فرانک (۱۳۸۵). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه کورش صفوی، تهران: ماد.
- پرچم، اعظم، و شاملی، نصرالله (۱۳۸۶). دیدگاه قرآن پژوهان درباره اشتراک لفظی و معنوی در قرآن و واژگان و جوه و نظایر. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۲(۴)، ۶۷-۸۶.
- پیکره قرآنی فرقان (۱۳۹۲). پروژه ایجاد و انتشار زیر ساخت وب معنایی برای قرآن کریم، بازیابی شده در ۱۲ اسفند ۱۳۹۴. دستیابی از <http://wlab.um.ac.ir/linkdata/quran/ontology.html>
- ژاکوب، الین ک (۱۳۸۴). هستی‌شناسی‌ها و وب معنایی. ترجمه شیخ شعاعی، فاطمه، فصلنامه کتاب، ۶۴، صص ۱۸۹-۱۹۴.
- صفری، مهدی (۱۳۸۳). مدل‌سازی مفهومی در بازنمون رسمی دانش: شناختی از هستی‌شناسی در هوش مصنوعی و نظام‌های اطلاعاتی. اطلاع‌شناسی، ۱(۴)، ۷۵-۱۰۴.
- صنعتجو، اعظم، و فتحیان، اکرم (۱۳۹۰). مقایسه کارآمدی اصطلاحنامه و هستی‌شناسی در بازنمون دانش (طراحی و ساخت نمونه هستی‌شناسی اصفهان). پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱(۱)، ۲۱۹-۲۴۰.
- فالك، جولیا اس (۱۳۷۲). زبان‌شناسی و زبان. ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فرشید ورد، خسرو (۱۳۸۶). دستور مفصل امروز. تهران: سخن.
- فولیکه، پل (۱۳۷۸). هستی‌شناسی: بحث و وجود. ترجمه یحیی مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.



- لیدز (بیٹا). بازیابی شده در ۱۲ اسفند ۱۳۹۴. دستیابی از <http://corpus.quran.com/ontology.jsp>
- منجد، نور الدین (۱۴۲۲). الترادف في قرآن الکریم. دمشق: دارالفکر.
- وب معنایی (بیٹا). بازیابی شده در ۱۲ اسفند ۱۳۹۴. دستیابی از <https://www.w3.org/standards/semanticweb/>
- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد (بیٹا). بازیابی شده در ۱۲ اسفند ۱۳۹۴. دستیابی از [https://en.wikipedia.org/wiki/Ontology_\(information_science\)#Published_examples](https://en.wikipedia.org/wiki/Ontology_(information_science)#Published_examples)
- یعقوبنژاد، محمد هادی، حری، عباس، شمس فرد، مهرنوش، حسینی بهشتی، ملو کالسادات، و علیپور حافظی، مهدی (۱۳۹۰). استفاده از اصطلاحنامهها در محیط وب. کتاب ماه کلیات، ۱۶۵، ۱۰-۲۱.
- Gruber, T. R. (1993). A Translation Approach to Portable Ontologies, *Knowledge Acquisition*, 5 (2), 199-220.
- Guarino, N., Oberle, D., Staab, S. (2009). What is an ontology? *Handbook on Ontologies*. International Handbooks on Information Systems. Berlin Heidelberg: Springer-Verlag.
- Harrag, F., Al-Nasser, A., Al-Musnad, A., Al-Shaya, R., Salman Al-Salman, A. (2014). Using association rules for ontology extraction from a Quran corpus. presented at 5th international conference on Arabic Language Processing.
- Iqbal, R, Aida, M., Zulkifli, Y. (2013). An experience of developing Quran ontology with contextual information support. *Multicultural Education & Technology Journal*, 7(4), 333-343.
- Katifori, A., Halatsis, C., Lepouras, G., Vassilakis, C., Giannopoulou, E. (2007). Ontology visualization methods-a survey. *ACM Computing Surveys*, 39(4), 10:1-10:43.
- Schuyler, P. L., Hole, W. T., Tuttle, M. S., Sherertz, D. D. (1993). The UMLS Metathesaurus: representing different views of biomedical concepts. *Bulletin of the Medical Library Association*, 81(2), 217-22.
- Sherif, M. A., Ngomo, A. N. (2012). Semantic Quran: A Multilingual Resource for Natural-Language Processing. Special Issue of the *Semantic Web Journal*, Multilingual Linked Open Data (MLOD) Data Post Proceedings.
- Sowa J. F. (2000). *Knowledge Representation: Logical, Philosophical, and Computational Foundations*. Brooks Cole Publishing Co., Pacific Grove, CA.
- Uschold, M., Grunniger, M. (1996). Ontologies: Principles, Methods, and Applications. *Knowledge Engineering Review*, 11(2), 93-155.
- Yauri, A. R., Rabiah, A. K., Azreen, A., Masrah A. A. (2012). Quranic based Concepts: Verse Relations Extraction Using Manchester OWL Syntax. in *Proceedings of the International Conference on Information Retrieval & Knowledge Management (CAMP)*, 317- 321.
- Yauri, A. R., Rabiah, A. K., Azreen, A., Masrah A. A. (2013). Ontology Semantic Approach to Extraction of knowledge from Holy Quran. in *proceedings of the 5th international conference on Computer Science and Information Technology (CSIT)*.